

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



نظری بر عرصه‌ی حیات انسان از منظر توحید افعالی

در مواضع انتخاب، مسؤلیت انسان متوجه تصمیم است یا عمل خارجی؟

پرسش: وقتی همه‌ی حادثه‌ها خیرند، انسانی که بر سر دوراهی است، اگر راه اول را برود به نفع اوست و اگر راه دوم را برود باز به نفع اوست؛ پس جایگاه احتیاط و مشورت کجاست؟ اگر او در انتخاب راه بی احتیاطی کند، باز هم خیر اوست؟

پاسخ: آنچه در زندگی اتفاق می افتد، خیر انسان را دربردارد. گفتیم، عکس العمل‌ها و رفتارهای ما در برابر حوادث دو مرحله دارد. یک مرحله عزم و تصمیم و نیت ماست؛ و مرحله‌ی دوم تحقق خارجی آن است. ما در تصمیم‌گیری و عزم و نیت، آزادی کامل داریم. می‌توانیم تصمیمی مطابق اذن تشریحی الهی بگیریم؛ خود این تصمیم برای ما تعالی بخش و کمال آفرین است. می‌توانیم تصمیمی مغایر اذن تشریحی الهی بگیریم؛ خود این تصمیم انحطاط بخش است. مطابق آنچه در مباحث پیشین مطرح شد، تصمیمی که موافق اذن تشریحی الهی اتخاذ می‌شود، ما را به خویشتن خویش نزدیک‌تر می‌کند و تصمیمی که خلاف اذن تشریحی اتخاذ می‌شود، ما

را از خویشتن دور می‌سازد و بر از خودبیگانگی می‌افزاید. خود تصمیم پیش از آنکه به عمل تبدیل شود، بر انسان اثر می‌گذارد. تصمیم ما برای طاعت یا معصیت، تصمیم ما برای خیر رساندن به دیگران یا بدی کردن به آنان، قبل از اینکه به عمل برسد، بر روی ما تأثیر دارد. لذا تصمیم، به خیر و شرّ قابل تقسیم است. همه‌ی تصمیم‌ها خیر نیستند. تصمیمی که مطابق اذن تشریحی الهی است، خیر است و تصمیم مغایر با اذن تشریحی، شرّ است.

تبدیل شدن تصمیم به عمل، موکول به اذن تکوینی الهی است. خداوند باید به آن امکان عملی شدن بدهد. هر قدر هم ما در تصمیم خود جدّی باشیم، اگر خداوند امکان ندهد، تصمیم به عمل تبدیل نمی‌شود. خدایی که عمل را محقّق می‌سازد، همان خدایی است که بر همه‌چیز آگاه است. همان خدای حکیم است. همان خدای رحمان و رحیم، غنی و قدیر، و همان خدای جواد و کریم است. چنین خدایی براساس علم و حکمت و رحمت و جود و سخا اذن تکوینی می‌دهد؛ بنابراین محال است خدا به تصمیمی امکان عملی شدن دهد که خیری در آن نباشد. والاّ باید گفت، خدا یا خیر را تشخیص نمی‌دهد؛ درحالی که می‌دانیم خدا علیم است. یا اینکه تشخیص می‌دهد؛ اما قصد خیررسانی ندارد؛ درحالی که خدا رحمان و رحیم است. یا اینکه قصد خیر دارد؛ اما بر عملی ساختن خواسته‌اش قدرت ندارد؛ درحالی که خدا بر همه چیز تواناست.

بدین ترتیب احتمال اینکه یک تصمیم در خارج، اذن وقوع یابد و خیری در آن نباشد، به‌کلی منتفی است. هر تصمیمی که عملی شود، یقیناً در عملی شدنش خیری هست. توجه کنید که تصمیم لزوماً خیر نیست؛ تصمیم ممکن است خیر باشد یا شرّ؛ ممکن است مطابق اذن تشریحی الهی باشد یا خلاف آن؛ اما وقتی به عمل تبدیل شد، عمل محال است خیر نباشد؛ چون با اذن خدا محقّق شده است و خدا هم براساس علم و رحمت و قدرت و حکمت و جود و کرم و سخا و

خیرخواهی برای خلق، آن را تحقق می‌بخشد. در نتیجه تصمیم به عمل تبدیل نمی‌شود؛ مگر خیری در آن باشد. چه بسا تصمیم جدی‌یی که موفق نمی‌شویم آن را عملی کنیم. همه‌ی ما بارها این را در زندگی تجربه کرده‌ایم. علتش این است که خیری در وقوع آن نبوده و لذا خدا به آن امکان عملی شدن نداده است.

سؤال این بود که از بین دو گزینه، هریک را تصمیم بگیریم، عمل مترتب بر آن خیر است؟ نخست باید بدانیم که تصمیم ما در هر دو گزینه یکسان نیست؛ ممکن است یک تصمیم خیر باشد و دیگری شرّ؛ یک تصمیم سازنده و تعالی‌بخش باشد و دیگری مخرب و انحطاط‌بخش. دوم اینکه هر تصمیمی بگیریم، الزاماً به عمل تبدیل نمی‌شود. بسیاری از تصمیم‌های ما عملی نمی‌شود؛ چون خیر نیست و خدا به آن امکان عملی شدن نمی‌دهد. اگر خداوند امکان عملی شدن داد، یقین داریم، عمل خارجی که در پی تصمیم ما در جهان خارج واقع شد، خیر است.

باید بتوانیم دو بخش تصمیم انسان و عملی شدن آن تصمیم را تفکیک کنیم و در ذهنمان جا بیندازیم. به‌طور مفصل بیان کردیم که ما در تصمیم خود آزاد و مختار هستیم؛ محال است آزادی در تصمیم‌گیری از احدی سلب شود؛ و چون مختار هستیم می‌توانیم تصمیم خوب یا تصمیم بد بگیریم و خود تصمیم بر روی ما تأثیر دارد؛ تصمیم خوب سازنده است و تصمیم بد ویرانگر. اما بخش دوم، یعنی وقوع آن تصمیم به‌شکل یک فعل در جهان خارج، همیشه خیر است. اگر خیر نباشد خداوند امکان وقوع نمی‌دهد. عمل خارجی همیشه خیر است؛ چه مبتنی بر یک تصمیم خیر باشد، چه مبتنی بر یک تصمیم شرّ.

مثل آن دزد که تصمیم گرفت دزدی کند. تصمیم او مغایر اذن تشریحی الهی بود و تأثیر مخربی بر وجود او گذارد؛ اما خدا به این تصمیم امکان عملی شدن داد و پولی که منشأ اختلاف

و دعوا بود از آن خانه بیرون آمد و آن خانواده از متلاشی شدن نجات پیدا کرد. درعین اینک که تصمیم شرّ بود؛ فعل خارجی مترتب بر آن خیر بود؛ چون فعل خارجی کار عبد نیست. تصمیم کار عبد است و فعل خارجی کار خداست. از خدا هم جز خیر سر نمی‌زند. / از خیر محض جز نکویی ناید.

عمل خارجی که فعل خداست خیر است؛ اما خیر بودن تصمیم انسان تضمینی ندارد. انسان درقبال تصمیم‌گیری مسؤولیت دارد و باید احتیاط به خرج دهد و مشورت کند تا به بهترین تصمیم برسد. اگر خدا اذن تکوینی داد و آن تصمیم به فعل منتهی شد، یقیناً آن فعل خارجی خیر است؛ ولی خیر بودن عمل خارجی مسؤولیت انسان را درزمینه‌ی تصمیم درست گرفتن منتفی نمی‌کند. انسان برای رسیدن به تصمیم درست باید مشورت کند، تفکر و مطالعه و بررسی کند تا به بهترین تصمیم دست یابد.

پرسش: گاهی انسان درمورد مسأله‌ای نمی‌تواند تصمیم بگیرد؛ آیا بهتر نیست اصلاً تصمیم نگیرد؟

پاسخ: خیر؛ این درست نیست. خداوند ما را دارای قدرت تصمیم‌گیری خلق کرده و به ما نقش تصمیم‌گیرنده را داده است. البته اگر انسان همه‌ی بررسی‌ها و تلاش‌ها را کرد، مطالعه و مشورت کرد و واقعاً به تشخیص نرسید و بر سر دوراهی ماند، ممکن است به کمک یک فرد ذی‌صلاح استخاره کند؛ ولی باز درحال تصمیم‌گیری است، باین تفاوت که اینجا تکیه‌گاهش نه اطلاعات عقلی خودش است، و نه اطلاعاتی که دیگران در اختیارش گذاشته‌اند. جایی که تمام

اطلاعات موجود نتوانست او را از تردید خارج کند، به استخاره تکیه می‌کند. در هر صورت جایز نیست انسان میدان تصمیم‌گیری را ترک کند.

مقام تفویض هم جایگاه دیگری دارد و غیر از این است؛ اینکه انسان امورش را به خدا تفویض کند مسأله‌ی دیگری است که در مباحث شراب طهور توضیح داده‌ایم.^۱

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ



۱. نگاه کنید به: مهدی طیب، شراب طهور، ص ۲۵۲-۲۵۴.